این کتاب روایت گر یکی از ادوار سخت، اسفناک و پررنج برای مردم ایران در تاریخ است؛ دوران رقابت دو قدرت بین المللی در همسایگی ایران، یکی در شمال و دیگر در جنوب برای دست اندازی هرچه بیشتر بر منابع طبیعی و تمامیت ارضی ایران، که بیشترین لطمه را به جنبش آزادی خواهی ایرانیان و مشروطیت وارد کرد. هرچند با ورود آلمان به منطقۀ خاورمیانه و تجدیدنظرطلبی سیاست خارجی آن کشور با انگیزۀ به چالش کشیدن امپراتوری بریتانیا و تغییر موازنۀ قوا، و تمایل و تلاش ایران برای اتحاد با آن کشور تحت عنوان «قدرت ثالث» بارقه هایی از امید پدیدار آمد اما همین مسئله به اتحاد امپراتوری روسیۀ تزاری و بریتانیا انجامید و اختلاف طرفین با وجه المصالحه قرار گرفتن ایران مرتفع شد. به تبع قرارداد 1907 که ضربۀ مهلکی بر پیکرۀ جنبش مشروطیت وارد کرد، در کنار منطقۀ بی طرفی که تحت ادارۀ دولت مرکزی ایران بود، عملا شمال ایران ملک مطلق تزار و جنوبش از آن بریتانیا شد. این شرایط تا 1914 به وقت خود باقی بود و با برافروخته شدن آتش جنگ بین المللی، کورسویی از امید پدیدار شد تا بلکه با اتکای به آلمان و دول محور، به یک قرن دست اندازی و دخالت روسیه و بریتانیا بر تمامی ارضی کشور و تاراج منابع طبیعی ایران پایان داده شود. هرچند فرصت طلبی ترک های عثمانی موجب شد تا سرنوشتی دیگر برای ایران رقم بخورد و احتمال وقوع هرگونه تغییر مثبتی از بین برود. تنها با وقوع انقلاب اکتبر 1917 بود که ایران فرصتی برای ادامۀ حیات سیاسی خویش یافت و یکی از طرفین این «بازی بزرگ» از میدان به در شد.

کتاب حاضر با تکیه بر منابع و اسناد دست اول، دورنمایی از جایگاه ایران در رقابت روس و انگلیس در اواخر سدۀ نوزدهم تا پیش از آغاز جنگ جهانی اول وجهت گیری سیاست های این دو ابرقدرت در مواجهه با آن را به دست می دهد تا نگاه ما را به مقاصد و مطامع بازیگران بازی بزرگ روشن تر سازد. این کتاب به بررسی سیاست بریتانیا در قبال ایران در حد فاصل 1890 تا شروع جنگ جهانی اول در 1914 اختصاص دارد که به نوبۀ خود تبعات زیادی در وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران در سال های بعد به دنبال داشته است. این دوران به تعبیری نقطۀ اوج رقابت دو امپراتوری بزرگ آن دوران – روسیه و بریتانیا – در ایران بود. نویسنده، بازۀ زمانی مورد مطالعۀ خود را به دو مقطع قبل و بعد از سال 1905 تقسیم کرده است.